

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تأسیس سازمان میراث کهن مکتوب اسلامی - شیعی

نمادی از عزم ملی و دینی ایران اسلامی<sup>۱</sup>

حسین متقی

hosseinmottaghi@yahoo.com

---

در آئین جهان شمول و نورانی اسلام، بزرگترین معجزه‌ی جاوید آن، یعنی: قرآن کریم، که تا هستی باقی است، مُهر «معجزه‌ی ابدی و جاویدان» بر تارک آن پرتو افشانی می‌نماید و خواهد کرد، در قالب «کتاب» بر قلب شریف اشرف مخلوقات عالم، حضرت محمد مصطفی (ص) نازل گردیده است و اگر با نگاهی ژرف و عمیق به جایگاه علم و دانش و اهمیت آن در این دین الهی و گستره‌ی آن در مجموعه‌ی تعالیم دینی در قالب آیات و روایات و در یک کلام مجموعه‌ای از این مواریث کهن و ماندگار، که امروزه ما از آن با عنوان «کتاب» یاد می‌نماییم، نگریسته شود، آن وقت دانسته خواهد شد که این آثار کهن - با تأکید بر نسخه‌های خطی - که در واقع حاصل و عصاره‌ی تلاش اندیشه و تضارب آرای هزاران گونه نخله‌های علمی و فکری انسان‌های آگاه و عالم دیروز است، که در حقیقت پشتوانه‌ی هویت تاریخی و دینی یک ملت و به گونه‌ای دیگر چراغ راه آینده‌ی بشریت امروز هستند. برای حصول مقصود، زاویه‌ی نگرش به این موضوع را اندکی بسته‌تر و تنگ‌تر کرده و نگاه را به وضعیت درونی حاکم بر «میراث فرهنگ مکتوب» جاری و ساری در این مرز و بوم، معطوف داشته و با اندکی تأمل در ساختارها و سازمان‌های تأثیرگذار و دخیل در حفظ، اشاعه، سامان‌دهی و برنامه‌ریزی این مواریث کهن، به صورت گذرا مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم تا چه قبول افتد و که در نظر آید!

بی‌تردید بررسی همه‌جانبه‌ی پروسه‌ی بسیار سنگین و پیچیده و گسترده‌ی میراث

و فرهنگ اندیشه و تاریخ شکل‌گیری آن‌ها، خصوصاً با نگرش ارزشی و اختصاصی در «میراث کهن مکتوب شیعه» نه در شأن این نوشتار و نه نویسنده‌ی آن است، بلکه حقیقتاً نگاه عمیق و عالمانه‌ی کارشناسان زبده و متخصص جویاگر است، که بذل و وسع نموده و با تدبیر، درایت، برنامه‌ریزی، ارائه‌ی طرح‌ها، ابزارهای علمی، راه‌کارها و ساز و کارهای منطقی و عقلایی و نیز تضارب آرای علمی متخصصان مبتنی بر خردگرایی و عقلانیت جمعی خویش بدان پرداخته و رخ از نقاب نارسایی‌ها و نابسامانی‌های موجود در عرصه‌ی قلم و اندیشه، خصوصاً آثار مکتوب کهن شیعی با محوریت «کتاب»، پرده برفکنند؛ لیکن از آن‌جا که ناباورانه مشاهده می‌گردد که براین امر مهم، حیاتی، بسیار حسّاس و زیربنایی، مهر سکوت معنی‌دار و مضمّن‌کننده‌ای زده شده و پرده‌ای بزرگ بر آن سایه‌ای انداخته است، انسان از شدت بهت و ناباوری به وادی خلسه در می‌غلطد...! آیا حقیقتاً این تراژدی غمباری نیست که امروزه می‌بینیم در نظام جمهوری اسلامی، که بر اساس باورهای ما شکل‌گیری آن بر مبنای دکترین تشیع بوده و برگرفته از تعالیم و آموزه‌های نورانی آئینی است که نسبت به همه‌ی ادیان و مذاهب زنده در سطح جهان، بالاترین و بیش‌ترین اهتمام را به مقوله‌ی «اندیشه و دانش» و در يك کلام «کتاب» داشته است، و اینک عنان آن در دست تندباد حوادث و ایام رها شده است؟ آیا حقیقتاً وقت آن نرسیده که يك مدیریت متمرکز و پایداری، اعمّ از وزارتخانه یا سازمانی فراگیر، با برنامه‌ها و سیاست‌های ثابت و ماندگار – به دور از سیاست – تولید امر «کتاب» و این «مواریث کهن مکتوب» و در يك نگرش خرد و کلان، امور اماکن فرهنگی، کتابخانه‌ها، نسخه‌های خطّی، کتاب، نشر و به طور کلی تولّیت «اندیشه»، «تولید علم»، «پژوهش و تحقیق» و پاسداری از دستاوردهای دیروز، امروز و فردا را عهده‌دار گردد؟ آیا واقعاً در يك نگاه گذرا، تولّی و مدیریت

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در امر خطیر و بسیار پیچیده‌ی «میراث فرهنگ مکتوب اسلامی» یا در مرحله‌ی نازلتر با نگرش درونی، یعنی «میراث کهن مکتوب شیعه» با گستره‌ی تاریخی هزارساله‌ی آن، با تشکیلاتی کاملاً ناپایدار مانند: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، که مسؤولان آن به همراه سیاست‌گذاری‌های چندگانه و فصلی، هر از چندگاهی با تغییر حاکمیت فصلی جریان‌های سیاسی حاکم در کشور، دستخوش تغییرات و جابه‌جایی بسیار گسترده می‌گردد، امکان پذیر است؟ آیا با نگاه باستان‌شناسانه! چند کارمند در «سازمان میراث فرهنگی» نسبت به نسخ حطّی، این موارث کهن - بخوانید کالای عتیقه و آنتیک! - که در واقع حاصل اندیشه و دانش هزار ساله‌ی علوم اسلامی نیاکان و دانشمندان این مرز و بوم است و غمبارتر از آن حبس آن آثار در داخل ویتترین - به قول شاعر: برای نهادن چه سنگ و چه زر! - و نیز عدم اجازه‌ی انتشار داده‌های علمی درون و محتوای آن‌ها، مانند تهیه‌ی فهرس و عدم سرویس‌دهی بهینه‌ی آن آثار برای پژوهشگران و از همه دردناکتر نهادن و قرار دادن اندیشه‌های متعالی مسلمانان، که برگرفته از تعالیم انسان‌ساز و روح بخش آئین الهی و نورانی اسلام است، در کنار سنگ‌های به دست آمده از دوره‌ی هوخشتره! و نگاه عادلانه! به هر دوی آن‌ها از سوی باستان‌شناسان و کارشناسان این سازمان، آیا در خور شأن، جایگاه، منزلت و کرامت والای این آثار ارزشی و دینی است؟ آیا با این عِدّه و عُدّه و طرز نگرش به این موارث کهن، می‌خواهیم برتری تاریخی فرهنگی مسلمین و ایرانیان را بر جهانیان به اثبات برسانیم؟ آیا خواب «تاریخ علم ایرانیان مسلمان» که دردمندان و دلسوزان عرصه‌ی فرهنگ و اندیشه و تحقیق و پژوهش بر نگارش آن اصرار دارند، با این هیمنه‌ی گسسته و متشتت قانون‌ها و سیاست‌های فصلی و چندگانه، تعبیر شدنی است؟!

متأسفانه فقدان متولی خاص، ثابت با سیاست‌گذاری‌های پایدار و دائمی مثلاً برای مقوله‌ی «نسخ خطی» یا به طور کلی مقوله‌ی «کتاب» و سایر «محصولات فرهنگی مکتوب» اعم از نشریات و جراید در سطح کشور و نبود برنامه‌ریزی‌های پایدار، کارشناسانه و علمی در امر «پژوهش و تحقیق»، منجر به سیاست‌گذاری‌های چندگانه‌ی فصلی و سلیقه‌ای، ناکارآمد، غیرکارشناسانه و مقطعی از سوی هر یک از مدیران مؤسسات، کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز فرهنگی کشور به صورت فردی گردیده، که با اعمال نظرها و سلیق شخصی و سنتی، سکان پروسه‌ی حساس و بنیادین «پژوهش و تحقیق» یا به طور کلی «فرهنگ مکتوب» با مصداق اتم آن یعنی «کتاب» را در سطح کشور، دستخوش امواج سطحی، ناپایدار و مقطعی قرار داده؛ که نتیجه‌ی آن را به سهولت امروزه می‌توانیم مثلاً در عدم دسترسی روان و آسان محققان به داده‌های این مواریث کهن، در کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و سایر مراکز فرهنگی دولتی یا موقوفه‌ی کشور و نیز برخورد گزینشی و یا کاملاً تبعیض‌آمیز و حتی گاه تجاری! برخی مدیران این مراکز، با دانشجویان و پژوهشگران این آثار به صورت گسترده در سطح کشور مشاهده می‌کنیم، که نتیجه‌ی آن می‌تواند هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی و نیز سوختن فرصت‌های ارزشمند تحقیق و پژوهش در این آثار باشد.

ذکر این نکته در اینجا لازم است که به طور کلی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که بر اساس تفکر و فرهنگ ناب شیعی شکل گرفته بود، این امید و انتظار می‌رفت که، با توجه به جایگاه بسیار خطیر «اندیشه و قلم» در آموزه‌های دینی و فرهنگی، بیش‌ترین اهتمام در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به تدریج به مقوله‌ی «فرهنگ» و «اندیشه» داده شود، ولی متأسفانه این آرزو و امید، نخست به سمت و سوی معنی داری با نام «انقلاب فرهنگی»، سوق داده شد و پس از آن هم به تدریج

گرفتاری‌های جنگ و اولویتهای اقتصادی دیگر عملاً مانع از تحقق چنین آرزویی گردید، و با شکل‌گیری دولت جدید هم بعد از جنگ، حدیث مشهور «من لامعاش له لامعاد له» - البته با هر مونتیک یک سویه - اصل قرار گرفت.

نگارنده اینجا در صدد نفی یا اثبات حسن و قبح فقر نیست، البته بله درست است و قول نبی اکرم (ص) «الفقر سواد الوجه فی الدارین» مؤید این است که فقر عامل انحطاط و روسیاهی در دنیا و آخرت است، لیکن بر اساس آموزه‌های دینی ما، نداری و فقر به تنهایی و الزاماً عامل دوری یا رویگردانی شخص از دین نیست و به نظر نمی‌رسد اثبات این فرضیه احتیاج به توضیح زیادی داشته باشد، ولی همین مقدار برای نمونه عرض کنیم که: آیا در همان اوان رسالت نبوی (ص) در شعب ابوطالب، مردم از گرسنگی به شکم‌های خویش سنگ نمی‌بستند؟ در جنگ خندق با یک خرما همگی افطار نمی‌کردند؟ آیا ایمان آن‌ها به جهت گرسنگی و فقر قوت گرفته بود یا ضعیف شده بود؟ مگر نه اینست که در آموزه‌های دینی ما بهترین حالت نزدیکی انسان به خدا، خالی بودن شکم و بدترین حالت سیری شکم، عنوان شده و امر مهم روزه در شریعت هم مگر بر همین فرضیه استوار نیست؟ آیا در همین مورد بحث، بزرگان دین ما با گرسنگی و فقر، این علوم و موارد بسیار گسترده‌ی مکتوب دینی را به نسل ما رساندند یا با سیری شکم؟ برای نمونه مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، این کتابخانه و گنجینه‌ی بزرگ موارد مکتوب کهن شیعی را، مگر با نماز اسیتجاری، فقر، گرسنگی و ریاضت‌ها به نسل ما نسپرد؟ پس بنابر الزاماً چنین نیست که فقر عامل همه‌ی ضعف‌ها و بدبختی‌هاست و وقتی هم به بیوگرافی دانشمندان نظری می‌افکنیم، می‌بینیم، در واقع فقر و محرومیت بوده که عامل خلاقیت و نبوغ آن‌ها بوده است و ... لذا تردیدی نیست که باید امثال این حدیث‌ها را با نگاه دیگر و محمل دیگری و با هر مونتیک جدیدتری تعریف و برداشت بنماییم و تردیدی

نیست که برداشت و تعریف معهود و ظاهری از این حدیث، صحیح به نظر نمی‌رسد، چرا که حرکت به سمت توسعه و اقتصاد پایدار، با دورنمای رفاه اجتماعی مردم، گرچه ممکن است یکی از وظایف درجه‌ی دوم يك حکومت دموکراتیک و مردم‌سالار از نوع غربی بوده باشد، لیکن در يك نگاه ارزشی، از زاویه‌ی درونی انقلاب اسلامی که با دکترین و رویکردی کاملاً فرهنگی و دینی شکل گرفته، بی‌تردید **«اقتصاد فرع بر فرهنگ است»** و لذا اقتصاد و وضع معیشت مردم و به اصطلاح **«سیری شکم مردم»** در **يك نظام دینی و فرهنگی، اولویت نخستین و اصل و مبنا نیست** و قطعاً **يك** بحث روئینایی است و نه زیربنایی. البته متأسفانه در این سال‌ها حتی **يك** نگرش عادلانه و بدون تبعیض هم به فرهنگ و اقتصاد نیز تحقق نیافته و جالب است بدانیم که اصولاً ماهیت حرکت مرحوم حضرت امام خمینی (ره) همان گونه که کاملاً روشن است برای **انقلاب اسلامی!** و بیش‌تر برای تغییر در ساختارهای فرهنگی صورت گرفته و نه **انقلاب اقتصادی!** و اصلاح وضع معیشت و اقتصاد مردم و البته این بدین معنا نیست که از برنامه‌ریزی و فعالیت‌های اقتصادی دست برداریم نه هرگز! بلکه رسیدن به **يك** توسعه‌ی اقتصادی پایدار و همه‌جانبه برای کشور بی‌تردید **يك** ضرورت و نیاز واقعی کشور است؛ بلکه سخن در این است که در **يك** جامعه‌ی آرمانی و اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی، «اقتصاد و فعالیت‌های اقتصادی» نباید اصل و محور قرار گیرد و نباید «اقتصاد و ثروت اندوزی»، همه‌گونه نوع فعالیت و نگرش فرهنگی را در جامعه تحت شعاع خویش قرار داده و به خدمت بگیرد و دیگر تعبیر: در **يك** جامعه‌ی اسلامی نباید «فرهنگ و اندیشه» در خدمت «اقتصاد و پول» قرار گیرد؛ بلکه امر باید کاملاً عکس آن باشد، همچنانکه متأسفانه امروزه می‌بینیم همه‌ی «محصولات فرهنگی» و «کتاب»، در **يك** کلام، اندیشه در انحصار ناشران، آن هم با رویکرد و نگرشی کاملاً اقتصادی قرار دارد!

بی‌تردید «فرهنگ و اندیشه»، «علم و دانش»، «آموزش و پرورش»، «تحقیق و پژوهش»، «کتاب و قلم» و ... بر اساس تعالیم و معیارهای انسان ساز اسلامی و قرآنی، زیربنا و اصل بوده و در يك کلام روح و جان و بوی همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خُرد و کلان يك دولت اسلام‌گرا، باید بر محور فرهنگ و اندیشه-ی مترقی اسلامی باشد، دینی که حقیقتاً بیش‌ترین اهتمام را به «اندیشه و فرهنگ» و «علم و دانش» داده است. انتظار بر این بود که بدون تبعیض و عادلانه، هر يك از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به صورت عادلانه مورد توجه قرار گیرد، و حتی جالب این‌که انقلاب اسلامی، که پیش‌تر با نگرشی فرهنگی شکل گرفته بود و حداقل انتظار می‌رفت که مثلاً مقوله‌ی «فرهنگ» بیش‌تر از مسایل «اقتصادی» مورد توجه و عنایت قرار گیرد، لیکن به اعتراف همه‌ی صاحب‌نظران منصف، در این سال‌ها به مقوله‌ی «فرهنگ» حتی همپای اقتصاد نیز، نگرسته نشد و گویاترین نماد آن نقش بسیار کم‌رنگ «فرهنگ و اندیشه» با همه‌ی لوازم آن از جمله مقوله‌ی «کتاب» در برنامه‌های مصوّب پنج‌ساله گذشته یا برنامه‌ی چشم انداز بیست‌ساله آینده‌ی کشور است که تقریباً تدبیری جامع برای «فرهنگ»، این مقوله بسیار حسّاس و زیربنایی، به صورت جدّی و کاربردی اندیشیده نشد و حقیقتاً در مقایسه با «اقتصاد» کاملاً مورد بی‌مهری قرار گرفته است و به اعتراف بسیاری از کارشناسان متخصص، عملاً ۹۰٪ امکانات، بودجه، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتمردان ما در این سال‌ها فقط برای نیازهای این ملّت - به تعبیر مولانا «استخوان و ریشه»! - مصروف و هزینه شده است:

ای برادر تو همه اندیشه‌ای      ما بقی خود استخوان و ریشه‌ای!

به نظر می‌رسد خوشبینانه‌ترین نگاه به گذشته، این باشد که بگوییم، به جهت

اولویّت‌ها و ضرورت‌های اقتصادی و معیشتی مردم و ...، شرایط لازم برای تحقق يك توسعه‌ی فرهنگی پایدار و همه‌جانبه در شأن ایران اسلامی، مهیا نشده است؛ امید است دولت اسلام‌گرا در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، همچنان‌که در قانون‌گذاری‌ها، به مباحثی مانند: معیشت، مسکن، ازدواج، بیکاری، اشتغال و ... پرداخته و چاره‌اندیشی می‌کنند، به مقوله‌ی «اندیشه و دانش»، که همه چیز و همه‌ی هویت دینی و مذهبی ما در آن متجلی و متبلور است، نیز عنایت و توجهی ویژه داشته باشند، چقدر به جاست، به جهت ارج‌گذاری به کرامت والای انسانی و دینی و نیز احترام به جایگاه بسیار خطیر کتاب - با تأکید بر نسخه‌های خطّی - حداقلّ ساز و کارها، بسترها و زمینه‌های لازم قانونی برای ایجاد و تشکیل «سازمان میراث مکتوب شیعه» که تولیت و مدیریت واحد و پایدار در زمینه‌ی تصحیح، تحقیق و پژوهش، چاپ و انتشار و نیز راه‌کارهای نوین نگهداری و دسترسی روان و سریع و بدون دغدغه‌ی دانش‌پژوهان و پژوهشگران به داده‌های اولیه‌ی این نوع آثار - توجه شود - فراهم سازد، که با وضعیّت حاکم بر این نوع آثار در مراکز و کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، به نظر می‌رسد در مقطع کنونی بهترین گزینه، مثلاً می‌تواند ایجاد کتابخانه‌ای بزرگ با محوریت مطالعات اسلامی و رویکرد شیعی، با موادّ کتابی در قالب تصاویر ستّی (عکس) و دیجیتال (لوح فشرده) نسخه‌های خطّی اسلامی - شیعی موجود در کتابخانه‌های ایران و خارج از کشور باشد، که بدیهی است اگر اراده‌ی دولت و حمایت‌های قانونی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر تحقق چنین مرکزی کاربردی و مهمّ تعلق گرفته باشد، شکل‌گیری چنین واقعیتی به حول و قوه‌ی الهی و عنایت صاحب اصلی این مذهب مترقی و انسان ساز، حضرت امام مهدیّ (علیه السلام)، بی‌تردید امکان‌پذیر و حتماً شدنی است، که با چنین تحوّلی شگرف، هم یکی از بزرگترین معضلات پژوهشی و تحقیقی

کشور، یعنی عدم دسترسی سریع، ارزان، و روان به داده‌های آثار کهن اسلامی - شیعی، را حل کرده‌ایم و هم این‌که، این موارث و ذخائر فرهنگی، که به نوعی هویت دینی و مذهبی و ملی ما نیز محسوب می‌گردند، را از آسیب‌های انسانی و نابودی تدریجی نجات داده‌ایم.

به هر تقدیر بر همه‌ی کسانی که دغدغه‌ای دینی و یا حداقل عرق ملی در مقوله‌ی «کتاب» و به طور کلی «آثار مکتوب» - با تأکید بر نسخه‌های خطی - دارند و از اعماق جان نگران این وضعیت ناهنجار هستند، فرض است که با ارائه‌ی راهکارهای تئوری و عملی و نیز تشویق دیگران و به خصوص جریان‌های تأثیرگذار مانند: مجلس شورای اسلامی، که با ارائه‌ی راهکارهای قانونی و اجرایی مبتنی بر مطالعات راهبردی عمیق علمی و کارشناسانه، زمینه‌های تحول اساسی و زیربنایی در مدیریت، سامان‌دهی و سیاست‌گذاری‌های واحد و هماهنگ و ضابطه‌مند و شفاف در مقوله‌ی «کتاب» را حداقل در مراکز فرهنگی و کتابخانه‌هایی که به نحوی از بودجه‌های دولتی بهره می‌گیرند، فراهم آورند، تا این شاء الله به تدریج بسترها و زمینه‌های «پژوهش و تحقیق»، که به حق از اساسی‌ترین نیازها و از زیرساخت‌های اصلی و واقعی هر نوع پیشرفت و ترقی در عرصه‌های مختلف کشور است، ایجاد گردد. والسلام



---

<sup>1</sup> . این مقاله نخستین بار در سال ۱۳۸۴ش در سایت اینترنتی کتابخانه‌ی تخصصی اسلام و تاریخ با نشانی [www.historylib.com](http://www.historylib.com) منتشر گردیده بود که اینک با اندکی تغییرات مجدداً در این دفتر درج می‌گردد.